

شروان

در عهد شروانشاهیان

○ رحیم نیکبخت



○ تاریخ عمومی منطقه شروان در عهد شروانشاهیان

○ تألیف: رحیم رئیس نیا

○ ناشر: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۰، ۲۷۱ ص.

قلمرو فرهنگی ایران زمین به مرزهای سیاسی امروزی آن محدود نمی‌گردد. در این گستره عظیم و شگفت فرهنگی، جنوب قفقاز یا اران تاریخی که در دهه دوم قرن بیستم، آذربایجان نام گرفت؛ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شهرهای گنجه، شروان، باکو و... زادگاه صدها شاعر سخن پرداز و نازک خیال ایرانی بوده است. در این جهان فرهنگی خاندان‌های حکومت گر این خطه، همواره در تعالی و شکوفایی شعر و ادب فارسی تلاش مستمری داشته‌اند؛ شعر و ادبی که مشخصه بارز فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی بوده است.

شروان شاهان یکی از سلسله‌های محلی اران تاریخی هستند که با وجود قرار گرفتن در گذرگاه رویدادهای دگرگون ساز توانسته بودند نزدیک به هشت قرن، البته با سر گرفتن دوره‌های کوتاه فترت، به حکومت خود بر سرزمین شروان ادامه دهند و حکومت بر بخشی از قلمرو ایران را رقم بزنند.

اگرچه این سلسله خاستگاه عربی دارد، اما آنها خود را به ساسانیان منسوب کرده‌اند. اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم یزید بن احمد که بر شروان حکم می‌راند، اسامی فرزندان خود را نام‌های ایرانی **منوچهر، قباد، سالار** گذاشته است. بعد از او کم و بیش همه شروان شاهان اسامی ایرانی برای خود برگزیده‌اند. سلاطین این دودمان چنان مجذوب خلق و خوی ایرانی شده بودند که خود را ایرانی می‌دانسته‌اند.

پیش از این استاد دولت آبادی با پژوهش سترگ خود در کتاب، پارسی سرایان قفقاز^۱، و استاد دکتر امین ریاحی با تصحیح و چاپ کتاب پراج و مهم نزهة المجالس^۲ تألیف جمال خلیل شروانی، قدم‌های ارزشمندی جهت شناسایی فرهنگی و ادبی این خطه از خاک ایران برداشته‌اند. با این حال تاریخ سیاسی منطقه به ویژه شروان، تاکنون مورد غفلت واقع شده است. خوشبختانه این نقص باتلاش جناب آقای رحیم رئیس نیا محقق نام آشنای کشور در تألیف کتاب ارزشمند تاریخ عمومی منطقه شروان برطرف گردیده است. البته در روی جلد کتاب اشتباهی صورت گرفته و آن این که قبل از نام استاد رئیس نیا نویسنده کتاب، کلمه به کوشش زاید می‌باشد.

این اثر ارزشمند که جای خالی آن در تاریخ ایران احساس می‌شود، در پانزده بخش، تاریخ این منطقه را از ظهور اسلام تا حکمرانی واپسین حکمرانان این خاندان در شروان در قرن دهم هجری با مراجعه به منابع و مأخذ دست اول و اصیل مورد بررسی دقیق قرار داده است. مؤلف در مقدمه خود متذکر می‌شود: به جهت پیوندی که سلاطین این سلسله محلی - که خود را ایرانی می‌دانسته و حامی فرهنگ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی بوده‌اند - در سراسر دوران فرمانروایی طولانی و پرفراز و نشیب خود با ایران و مردمان آن داشته‌اند، به بررسی مستقلی درباره‌شان به ویژه با توجه به مناسباتشان با ایران در طول تاریخ احساس نیاز می‌شد. اثر حاضر با هدف برآوردن چنان نیازی و براساس حتی الامکان منابع دست اول که غالباً به زبان فارسی است، تألیف گردیده است. تعیین نسبت توفیق نویسنده در این راه با خوانندگان کنجکاو و آگاه است. اهمیت غیرقابل انکار این اثر در این است: این بررسی ضمن آن که خود اثر مستقلی به شمار می‌آید، در عین حال می‌تواند مدخلی باشد بر بررسی و پژوهش مناسبات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ایران و سرزمینی که در اوایل قرن بیستم جمهوری آذربایجان نامیده شد. (ص دوازده) در تاریخ ادبیات فارسی سخن از سبک عراقی یا آذربایجانی و سبک سلجوقی وجود دارد که بر سبک شعر بزرگانی چون، قطران، خاقانی، مُجیر بیلقانی، فلکی شروانی، ابوالعلائی شیروانی، نظامی گنجوی، مهستی گنجوی و... اطلاق می‌گردد:

«شعر و ادب مردم این دیار به طور وضوح نمایشگر سطح بالای فرهنگ آنان است. نه تنها از این حیث که تعداد ادیبان و دانشمندان قفقازی و آذربایجانی زیاد بوده‌اند، بلکه بیشتر از آن رو که اینان در ادبیات به کیفیتی خاص ممتاز بوده‌اند. سخن از یک سلسله واحد در میان نیست بلکه درست همین وجه امتیاز دلیل مجتمع ساختن آنان در گروه مستقلی است که می‌بایست قطران نخستین فرد آن باشد. از لحاظ برگزیدن لغات و تلفیق کلمات و شیوه بیان این گروه، با خصوصیتی مواجه می‌شویم که نظیر آن در میان شاعران سرزمین‌های شرقی یا به هیچ وجه نیست و یا به اندازه کافی عمومیت ندارد. البته این بدان معنی نیست که میان شاعران این مکتب و شاعران خراسانی سده ۵ هـ / ۱۱ م. و... رابطه‌ای وجود ندارد.

یکی از چشمگیرترین خصوصیات مکتب ماورای قفقاز (قفقاز جنوبی) درهم پیچیدگی صناعات ادبی آن است. مضامین، تحت نفوذ روبه تزاید شهرها گاه به گاه از محیط درباری دور می‌شود. در زبان، تعبیرات و اصطلاحات کهنه را کنار می‌گذارند و به موازات آن بیش از پیش از گنجینه لغات تازی خوشه‌چینی می‌کنند. حتی ادبیات عامیانه بومی نیز عرض اندام می‌کند (صفحه ده کتاب فوق به نقل از یان ریپیکا تاریخ ادبیات ایران، ترجمه شهایی، صص ۳۱۹-۳۱۸)

پی‌نوشت‌ها:

۱. دولت آبادی، پارسی سرایان قفقاز، بنیاد موقوفات افشار، تهران، ۱۳۷۰.
۲. شامل چهار هزار رباعی زیبای فارسی از سیصد شاعر گمنام آذربایجان، اران و شیروان در قرن هفتم هجری. (به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، ۱۳۶۶).